you the second	الول اصلاح انتصاد سیے	٩١٠٠	م الم الم الم الم الم الم الم الم الم ال
٢٢ ذيتمدة الحرام ١٢٤١ (١٨) دوني ٩٣	atomitister en ander an ander an ander an	ج در لهان ۱۳۰۲	A REAL PROPERTY AND A REAL
مسمع این زوز قامه بدون تقاضای کنین برای جسی داد سالی نمیدون ه		ير مسئول: 7 داور ] معمد المعمد	منعة هذيهة بيغ مستمنات مواحب المتياز ومد
مدا منه، مسبح ، سبح وجه اشتب ال : ٥ هما مديد ، ١٠٠٠	tion the all is a sum of an is a		
the rate of the destruction and the destruction of the second of			the state of the s
، داری روساس بالشرور، دانشاه موروم . - و روسوه و اور بر هارجه در از آسلاوه اجرت است به اسم، منه روش معروم - و روسوه رو اور بر هارجه در از آسلاوه اجرت است به اسم، منه روش معروم	9 1		صلحه دوم و سوم الم الم
فاله ن د مده به قبعت الله شدارة • ٥ متاحن است به ٢٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠٠		الالدزار كوجه العادية	صلحه چهارم محل إداره : طهران خبابار
The second		Antonio in a second sec	and the provide state and the second state of the second state of the second state of the second state of the s
. المسجد المتجعد استبدر اج أراء	الموقَّ" الما دَهُ" الأَ الذي مَبْنِشُ المَدُ المُيد	····· جنهور، ۲ های قفقاز مقبور ساوبت	the first half me size .
. آدائی که اظهر دون قبل بدوجبه دا پورته حوزه های انتخابه قدانت شده از قداد بت	واريم که دولت اير آن هر چهزود اير	خواهند شد و دو با ره ما و روس	ا دواشت توسیه در در از
که ذیلا بنظر قار این معترم فبرسا ند	And a star with a set the set		المعالم معد المانية مالحها الرطان
11 مؤلمن الملك بيد إين ١٩٠٧ V - لدين من الملك	، يفردا هم أوردن رفع اين توهن	با ها با هم ال منزلفند می اشو یم ا ما بیل به منابع از منابع المعام	
Y =	موقق الشود و حکومت بر تطا نیا -	نا هنوز مؤقمی باقی است – کا ا	الله المعر هوات الكليس هميشه إمنانت و
With the second se	خبط مامو و بين النهرين وا جبر أن	ا بای اجبا ر بند ن نیا مدہ 🛥 اندن 🖕	عاقبت انديشي ممروف نو د.
<ul> <li>۲ - مستوفی (لمبا لك منه مد مدار ١٧٢٩)</li> <li>۳۰ - ١٥٩٠ (عمر اعلم ١٤٨٤)</li> <li>۳۰ - ١٤٧٩ (مما الله ٢٠٠٠)</li> <li>١٤٧٩ (مما الله ٢٠٠٠)</li> <li>١٤٧٩ (مما الله ٢٠٠٠)</li> </ul>	المجلد والمرابع معالما والم المحاصل	بابد اخبط الحود افرار كند الطب ا	در این سنو'ت اخیر, مثل آین .
۲ - القوزادي بد سود وزرار ۲۳۰ م ۲۳۰ - تصبر الدوله ۲۰	دينين الم اير ان و انكل من هر دو يخط علم و من اير ان و انكل من هر دو	این خاطر قرار داد را بهم بزند و	است که یک تغییرات ءمیق هز طرز
v - مصدق السلطنه	در این است که امثال این خبطها پیش .	بعبارة اخرى فرد ا ژا د ز نظر	فكر و حالت روحي زمام داران
٨- خرفاني منه وم المدينة (٢١٤٢ - ١٠٠٠٠ - ٢٠٠٠ - ٢٠٠٠٠ - ٢٠٠٠٠ - ٢٠٠٠٠	الم نبايد، و در صورت و قوع بسر عتَّ ا	also also	الم الم الحل اليمن بيدا شده المراج
	الم اصلاح المؤد بالم ما لعب المع	بکیرد بن همین 	مستقرفة فتياست خارمي انكلسة ن دكر
	the summer to an a construction of		and the second of the second of the second se
۱۹۰ کے علانی ۔ ۵۰ کی بالدہ ہے کہ مال اور اور وروکت و شمیر ان وعمر و معرف و در ان و در ۱۹۰ یہ آشتیا تی بعد او دولی معنیا کام او مال انسام شدہ کی تقدیما میں معالم مساح ۹۰۹۹ و دن	به را در رو زنامه د د با ۲	المحق داد . دروسیه باز با ما همسایه	ای دان متانت و عاقبت بینی سا بق و ا
۱۴۰ مل ۲ قامنید - عسن المدون مشاهد ۱۴۰ - مد مناع عنه ۲۰ مد الد جا المرسان ۲۰۰		الروشدر 🔄 شیارت قراد جام شکست	+ Let the wind with the set
٤٤٠٠٠ تعدرت الدول ٨٠٠٠٠٠ ، ١٠ ١٠٠٠ ٢ [- ٣٠٠٠ ، ٤٤٠٠٠٠٠ . ٤ ٤٠٠٠ ٠٠٠٠٠٠ . ٤ ٤٠٠٠٠٠٠٠٠ ٢	the providence and pre-	خورد و شيجه تيكه انكلستان بود	معالم المان المتدر في مكسية المان -
10 - upped to a state of a state	سنده ف هيشد في دارزا بايدد اظر	ان هال بغض و آشینز اوی ود که پش	اوضام بریشان دومیه و کرفتا رسیم
		· I will be a first of the country o	محدسهم الراشة ستاست طاران دوك .
AN	ale :		المار بابد ورو و مارد المراجع و و محمد الد. مارد مرود محمولات مرود محمولات
الله - طباطباني المعالي وملاي والم ويت الما ويت الما الم		المستحقيرا الز الموزين دوك جريطاما ،	يتداد كالجلبيمتان بشر ابن فاو تسلحكم
١٩ - نا نبنى عبار تقلي أقار		الما بو المخلاف بما قبت المعهدي و متا ابت	من من الله المرجعة ( المرجعة ) من المرجعة ( المرجعة ) من المرجعة المرجعة مرجعة المرجعة ال
وب حاجي عبا علمي إن المن المعالية المدن المدن المدن المعالية المدن المعالية المدن المعالية المعالية المعالية ال		مسیاستر پیش کرفته اند که اکا فرودی	14. (董学) · · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
	the state of the second s	The state of the second s	ولي هو هين قبيل مواقع البت
مدينة المراجع من المراجع من المراجع الم المراجع من المراجع المرا المراجع المراجع	· جراً ابرانی <sup>لا</sup> می تواند سوسبا بست.	تنيير لکند حاصل وشق فنواهد ٣	العدة الالافكر ملين تايد الله والشطلاح -
۲۰ - مسلهات ۵۰۰ دخاله ۲۰۱۳ ۲۰۱۰ - ۲۰ جاجی عباسقلی . ۲۰			The second se
۲۷ - مسلومات منت منتاب به مدی ۱۹۷۹ ما به جمع عباستلی به مسلومی می می استلی به معیا و ۲۰۰۰ می می استلی به معیا و ۱۹۷۰ آنقا بوخی ابورونیودی ۲ ۱۷۸۷ ما به مسلومات به می می می می استان می می می ا	منین بدلایل فوق که نما ما علمی و سفنی است ابر انین تعین وانند استوروژ	من م	المعادية الملك الملكو ابن المؤوز فرداشي لعم هست
المهم يا توادون المدولة المعالية المعمدين الميني المراقبين المعالية المعالية المعالية المعالية المعا	موسبا البت إيد مرابنه من حون		ولازم الت أن را هم در نظر ،
و فلك يبندو - بك نفير ويرحاني نسا مما مما الحضرت مستبح خولادا جوائي فلده اى	روحانی نیستم دلایل منتخبی برای اثبات <sup>ن</sup>	مشود و الاخر ، کار تجای رسید ، ک	الا وزادت سارسه، والمتعلي البعار من
ا ا واس. رشوه بينو از عن اواند ازن شما الموالي الله و العد از حدا الواي ا فها الله الله الله الله ال	این مطلب تباوردم ، این ممثله ازوظایف؟ علماعه ما ایشنه ۲۰۰۰ می	اقايان ججج إسلام عراق عرب	محمصينها وتريث سة النال ييش الاجم به
را طلا: دهد و برای دیگری عقد کند اطلب منفرت کند که این ها از وی	مستعلما والمستاج والمحافظ الموسية المجام		مالی می این این ایک تان ما در . قرار داد ایران و ایکلتان ما در
ــ يك نفر إيل بيكي من لواند له م <sup>نو</sup> ناداني برسد من اقدام ودقة لله في بع مرارع و اختام شما را عارت كند به ونها فيتاند والهي مح ميروية ويشا	جای عاقلة رفتار باکستهم باید بست مرای	سن و استاری در این شود کو چک این و اقعه را نبی شود کو چک	ورود داد بوري و مستريع مردو
المراجيد مملكية عنامكر كرر معتقد المت تستصاحب فسلك شياعيه	آيجاد، سوسيا لبزم متروطه: خوام المسمى		
" بانته سال: م ماشد مارد مل ودار من وطة ( كادل مار كن ) اين طور شمار اهدايت	باشهم · وقتی» مشروطه خواه شدیم باید. بودنوا منده منته بعند باید وضعت به	ا از کرفت، اقاما نی که تحجویر شده	Cerestand ministry
و رژیم سرمایه داری شود . مناطره انگرد. سیماهاریه جنمی زاد مخططره	بورزوا بنوچرم یینی باید وختینی به وجود ساوریم که کار خانبه و ماشین	الله الله عرق والم الرك تكويند رو كسامي	ب اسم مرجم ابن قرار، دا د نتیجه بك
و مراد آم مند و معان اجتنت های ایر انجه می اندان بد و حال ۲ فک میدور به و و مراد آم مند و معان	داخل مدلکت شود نا اصول. سرمایه	مذغبما هستند ، توهين بان ها	سیاست کو آہ بینی است کہ برای
	داری سیش الردد و ایعادو آن سوسیا ایرم	المراجين به اجرابيات مذرميي مااست م	خوہانکلیس ہم ہوا ی ضرر ہیچ
، یا منی دانندسی با با برمجیست حماد بون به منی دانندسی با با برمجیست حماد بون حد می کودند _ بدین	را بسیان آورد . این این آورد .	ا إنتار عام كه استنام ان الما الاله	المعالمة الداردية الران والمقتر وا
احد مر كو زيد _ مدين الم الم المؤسماليزم داشته المشعاف بمون ابن ك	( کارل بار کس ) مؤسس سوسیا .	the a chair also not investigate of the	

وسيابابزم داشته الشدم بعون ابنك مندو متان أنى شود محساب كر د . مستر ايرانى زير بار اين ـ تحميلات ، نغواهد . به از مدا بند شدهنه ایم و مای دید. و هم بخور د مجر به چیتیات ملی ما بر م لبزم مي كويد هو. كن اعتقاد به سلك طر فدار مكتب مخصوصي ازمسلك اجتساعبون مَنْ دَارَدْ بَإِينَا تَعْمَا لَكُسَ رَاكُمْ مَيْخُواهِنْدُ بإشد بايد - از طرف ديكر - خودرا الخوردية . ملهوة بالمبته يهرمه الجو سوسها لبزم مى اورانك وجود داشتهاشديا بطرف كايبتك المرزم تبرزو فكد احامی کار کر و غملہ بداند . نمی دانند . مدینه و دی از بنده بیمانه ماسید روف و در اولین دقیقه امکان قر ر ایسید. داد وا پاره می کند الم المجه الله الت كه مالمورين اين كمسك يحتد زيرا نا كاببتا ابدزم المن از نقطه نظر أوع پرستی و النهرين متوجه إين نكات نشده - اکر مبدالند وبا وجود این برای مَنْوَ لَدَ قَبُود مَمْ كُنْ نَبَيْتُ اللَّو تَبَا لَبُزْمُ انْنَانْ دُوسَتْي أَيْنَ مُطْلُبُ رَا مُعَمِّعُو بِسُم م انتشار شوشبا لبزم البلبنات أمي كنند 💴 بوجود آبلا م این طور کارو استدلال مال پیر خرطن است. یک ممن می خواهم تابت کنم کمنافع یک ملت در این است که کار کران خود را حمایت کند - آن کما دا همینه قدی الیند - ال Let live and sail prod المستخلفيل شياست فعلى انكلستان شاکرد نجارہ وہ شاکرد سراج را المخلاصة كمنها البراي إخاد تتوية المستعمر البن است كه انكليس هما لحزيك أبعة اعتصاب والمخضاصمة بالستادان صبا لمرم بابد وريم كايبتا لمرم أل بوجود چطور عاقبت وخيمر اين قبيل خود مي کنند ـــ در اين حال آين آوري البراي ابجاد كابيتا لبزم الميد ی اقدامات را ندیده اند ۶ با به به به المعها ال مؤرد الغض ملت ابران بشوند، و ... اشجاس باجرا خبلو حسنه - وجودنان كار خانه و ماشين اداخل متدكت المرد بَرْايُ، حالمُعهُ البرائي مَضْ أَو خطر أساك المنه المران بطرف مسكو إرود • ألبته مدينة قوى المنبة و سالم و تر دماع تطعدارد م امروز اين مطلب وبكر مميلم آمت كماذ ابرأى مؤ فقبت در ابن كاربابد رزيم مشروطه المتوركر دة الله كم در المران است . دولت بابعد آنها وا از مردم والقوات كرد . • • • • • • • • S MARCH المساسات عمومي هنوز بقدركافي دور کند ، تا خورشنان به مما مدلکت واردههاید ، دربه با به المتبجة المجرية المجرية المدر الم المراج المجرة مخالف با انكليس ليست 9 منه ا م من الله اين كه در مملكت بالمشك كه الم ما هول كوچك تفقاز بظاهر، استقلالي نقطه إنظر بيهاسي أقدو ، و قدرت هر النطور است في علمه الله الله - : اكر تمى دانند سوسباليزمجيت مدروطه فقط زوى كاغيد است السيادر منعه قرار ند و خائل بین ما و زوسیه شد. ملکت بسته به قوت و قدرت فرزندان و بنا بر این از روی جهل لبلیغانی مدلسكت ما كد يك نفو حاكم فعمال ما ا باری 🗕 ما پس از اظهار ، تا ر الله جاند من ولى طولى نخواهد كشيد كه با 🖌 می کنند - جون ایران نمی نوانـد آن مملکت است . از طرف دیکر بد بهی بشابه است و نمَّن لواند شما. رل بچوب

## T. Ania ( )

به المنط وذير المختار ايران، بطهران ارسال المن المنافقة والجواجش تموده است درسور في که للمیسه های مزبود در بازاد ایران منترى داشته باشد بان كميا في اعسلان

ورود ایرو بلان من المرجب إطلامي كه أز سفارت انظبس بجوزارت خارجهرسيد، روز سه شنبهساعت ماسل ته الحسح ذو ادستناء آ برو يلان الظامي غبر "مسلح الكليس لها ال متسداد حرك الم مرده اطار ادر طهران در قلعه مرغبي 🖌 🖌 الوشط ادار. تظميه الطبخ الأبراي می ورود آیره پلان معین شده است فرو د المجموعة المذكر ومدارعه المجمع المراجع المراجع الم المدينية فتدمنك فكويت ومشتهاد المعادة المقوجين شوحتي كه در شماره مشیشتا د و شش دوز تامه کم منتشر آر د ید از طرف اداره نظمبه به آقای د نبس الوزراء يسنها دشده مؤد كامازر مور . لنك مسمت مفتشى كل اداره نظمية برقوار م مود و شاير ٢٠٠٠ منا الله شا مقا ٢٠٠٠ الحت رياست سو تدريها دود تصاحيمت سانا را ني الجادر للود ابن يبتنهاد أمتوت كرديد. الأفرقة لاياستظلمته بتوقع الجراكدارده some card of place and in the المسلمة المالي الديب السلطة والبش بلبس Interest the second build and a second الله فل الماي الا الراهية المسان د نيس to the day that as a down to make a statistic the ا الله الما**ت المات الله المنان "الايت اول ماشر** I martine was - the build with الممسل مشرور موتو رأينك تكلية كار هاى فوق ا وتبیکته کی تموده و امضای او رسمی the man we are a server the المسجون ماعدت المستع شجو یک از مفادسه روس توزارت

اجارت اطلاع ميدهند در تنادر إيرانو الله الله الكوية المحتبط نعاى المعطومي إراي المسلما وخلواهم المستوكث العلوايران درمارة للكيل شواهه يافت الن تسميون المستحا بمراقية كالمل خواجند داشت كاجناس و بالد التجادة تجار ايراني بدوقم المحود متكاده الأسال كرد داجناس ومال التجاره مسمع ابيراني حتى الأمان در كشتبها و قايتهاى عليقده كم تعمين شده است أرسال خواهد شد کمبونهای ماعدت از هیچهگی ير اسرطان إلى جندهم عقرب إدامه خواهد الم الماجة المراجعة المراجع الم

اجهام الكذيب قال والمده از طرف سفارت روس کشا خبر الشايعة البن الإران كرادن منة القر ايسراني در باد کو به جدا نکذیب مینما بد ا قمول يبشنها د الطوريكه در شمار. كذشته اطلاع ادم بو ديم مسبو ( ماليشف ) و ليس ازار مهاره ( نبژتی نو کورود ) پس از مُشاوره بأ مُدبُّو شومبًا لكي شارز دانو

سفارت دوش مواد يبشنها د شو زای عالي لمجارت را بتر لبهبی که ذبلا مبنکار بم قبول موده ورشما ابرليس تقبقت المحاديه لعجار علان تموده است رئبس المحاديه الجار عين مراسله ( ماليشف ) را بأمواد ستقمله المضا شد. يو زارت فوالد عامه المجارت ارسال ندوده است كه أمروز رَ جَلِمَهُ شُوَرَاى عَالِسِي لَجَارِتْ قُرْا لْتَ

ر دد . مادر اول – امام مال التجارما برانی المكارة ( أبر أنى أو كورود ) إرسال ببشود و دلاطرق امروز خطوط آب ال المب خارج از هو بت فرستا ده خو اهد ند بارهمای اجار ای دو لتی ( و نشتورك ل ساير اشكيلات ) هيجكو فه متبازا تسي [ بين مملكتين و يا أحساس لزوم حفيظ تخواهند داشت براي مال التجاره هاي ابرانی که از بنادر بحرخزر فرستاده مبشود شقائن مخصوص أمين خواهد شد . لبب پرو کرام حو کت سا تن مزيور رْعُوض بْكْ هَفْتُهُ رَسَمُنَا إِشَاعِتْ خُواهِد يافت ليكن اينجاف فايد به فجار توجبه كم كه هر كونه افدامات لازمة بعمل آور ندکه بار های آنها برای آیا میکه در پرو کرامخر ک منفاکن مغین مبشود نهبة و 7 ماده كردد شوايط وساقدن مال التجا دمكاملا سريع خواهد بود حدا كن مدت رسا نبدن مال ( اتجاره مهاره اد. الى بود خوامد بود . . ماده دوم- بوای امام مال التحارم مای ایر اتمی که بوسیله طرق آهن وخط حاجي طرخان (نبزني نو كوتود) به کاره فرستا دەمىشو د آز اھر قە مەمۇ لى كنو تى لحقبقي بمبزان ٥ الي .ه در مما بسته ينوع جنس و مال التجاره برقرار شدم است برای بال التجار معاشی که از بخرخز د فرستاده مېشو د لحقېقې بمېلزان ۱۵ د ب ١٠٠ إز العدر فة كه حاليسه أمعمول أست. منظور شده است مبلغ كرابة حمل مال التجارة بتوشط طرق آهن و يودخانه

والسكارية مكن أشت أنعد أز ورود بمكاره العديل وأيرداخته شود آلرايه لخفبقان حمل مال التجاره از بنادر ايران ناحاج طر خان در منادر انوان اخذ ودريافت مبشود أهرقه الخفيفي كراية أحمل إجناس لله لذلها شامل مال التجار وايت كم بعماره فرستا ده البناود المكه تتامل بال التحارة ها لبست که از ماره بایران فرستا ده می شو د

ماده سوم السلة كلبسه الجارت در مکار، بوسبله شعاف بودن از هر آونه بالبات های دو آتی و منطق قسرین شرايط ماعدت أمبز مخصوصي مي باشد اما زاجع بإجراى المرقة كمر كمي ١٩٠١ برای مدت مهره و بعد از آن هسم در مدانی که امین شده است این جانب نبز أظهارات رسمي رقبق شومبالسكي نماينده مخنا ردوات جمهورى سوسيا لبستلي فدرانیو. شوروی روس را کهروز کذشته الله ژو آن درجانبه مجلس مشاوره شورای عالى لخارت نجار مو كرى طهران أيبان أموده الكرار و أحديد م, ك: م الأوالت ساو في ننام أو في مناسبات فجاد في المعرفة ( و١٩ أينك تقاضاي فجهارا بر أفر ا داجم بحفظ آين اعرفه براى مدت مكاره ما موقع عقد قرار داد آني كي كا عمو ما يكانه العر فه نا فعي أست كه منا فعر لجار إيراني و روسي را لـ مين ميكند نس بك كفتة و تتاخاي خقه قانونك ايراني را قبول نموده وعده ملي دهد که همه کو نه اقدامانی برای خط این آمرفه نا هوقع عقدمه اهد. کمر کی به لر اورد ب ( بنباديد ) . این، رولی **او مین می**ند. روز شماره کذشته در منین ت**اکرا**د قصر فوشته شده بود که ) دولت شن النهرين آقايان علمها را ليعبد كردة است ) این عبارت درمو قم طمع اشتباه شدوامل خبر ( از طرف مامو دین انگلیس ات 🖓 🖓 ا

A Warden Maria Maria المتصاحبا رواحله فالم -1 1 to the State Lateral ال ال المنبش و جرا هت ال الوسركان في ديروز در قريهمابايير وونفن نظامى ويكنفن مغتش براي كثف

الرياك فالنجاق درم منزل كامران كام وأنته قدار مذكون زمايا عجلسة كبرى از فتبش المودة والأدوخوراد مبكانه إدر يان المر و الفنك المرى بعثورت الدرقام بإيهبرى مبخور دومجروح كرديده فطروب ا بشهر آورده مشفول معالجه مشتلد اله المجاورود أوحل کن الله الله حوار ۲۰۰۰ دیروز عصر، دوساعت بدروب مُسترداين مستشار بلديه با رآ قاحى طاير مترجم ايشان با الوموسل وارد ارادان مدقد و شب را در کا نلکراف خا ته منزل و الصمح زواد بالعت الرقت حزركت كراذ الدائل المؤدن محكومت السباب أناامني فراهم أست ما الله اخبذ آراء الم

الافدروز كوه ك الجمسن قطار نتخابات قصبه فبزوز كومو أوابشغ را روز با نظریات حکومت خسالمه داد. سَدَوَق رای را در منزلُ حکومتَشر بُستَه كداردة و المدور محكومت و رئيس نجمن بخوزه دوبلوك قزان لحتاي تراى أنتخابات حرك كردد فد الم المه بالمالك از لمانه كي الله عياش ٦ بالا مسلم ووزه دوشه انفر وارجو اسطه عطش و اشنه کی ازعباس باد الى غرينان \* خدر خار بعلا كن خيشو تع براون غيرميا بأرجعا تلاطفتر آباد را بر ميمان هذا أله از التربة · · ، فو · فوسلخي ٥٠ [الدامي ] تنجا وأحدثونا متبكر عندا منبال: مهجوجه مزارعين واغبره جن المبدعدير كن الدينطوال بإعد مجنصة رواز ديكر والرح بنمادم بكلئ حالاك مخمو المتداشد ال الا المسمعة القضام الماموريت الأكلمين. المعاد فيروز 7 فياي تهاء الدوله و دنية أعظم ملى كالمورايتي-ومسودتان الارا ورا مكناماد خالمة دادم يوديد است ون و طبيع عريم لمودند نظر المساكنيد حكم الكرافي إيالت طبله يراى المغيم ارزاق امروز كوشت واسه قرانو نان والحميك من ودمشير يكفران " ... · it .... الله لميذا ور المس مولج المر حكومت. لجلبله غضو دوز حمقه در قمار الحكومه التكبل مجلس از روساى اداراتووخوه ظيقات عالبه أهما لي منعقد كربراي

يَّبِيران قضية رقت انكميزاهاتي مساعدت غموهي ذا جلب و كمكي باها لي بسمي

دو اخروار ليكدم و سمندوشي ويدج او مان بول نقد جدمو ، معيو في نشكيل كه متناسيا بين أهالى تتسبم شود المريد المجار الظبم خيسان خانه يبعد

بروجرد اسا جند روز قبسل عرض شد كه برَّطيق ثقاضاى إهالي إدار ومنعتر مه قشو ای خبا زخا نه را در الحت نظر کر فته وضع نان: بفاصله خبلي يكمني خوب و فراوان شد در این جند روزه برطبستی اوامر سا درمر پست محترم فشون کیندماز اطراف - ل و نان کاملا فراو ان و نکوا بی اها ای يكلى مرافع كرديد قبعت نان إز يكمن يك قران وجهار، عياسي كبك وقران يك عياسي النزل تسولاه قد المؤ اين النزل فاحش و رآسانش خاطره عامه وز اين خبث امروزاها لى احساسات فوق العاده نا بحال قطير آن در بروخسود ديده فشدو نشباط داده بالمام الاكاكين مهر از از آناین کسته و داز ویاست معترم قشون خواهش کر دند که شخصاهمازار وو نيز حون و أبني - قشون كما لت داشتند لكن عشبده فراحد ال يباده على عقاره و الله الماخ المعنيان أرشد في موزيك واى المنهك اختاسات اهالي والمخوب استقيا ل شفوده في خواجش، [ندرها وا ام سنبها ودر ترکوم اشد: بالا مارس سازاد فرستاد دراز طرف العامية جدامات اقدامات قابل بمجيدي معسل آمد قريسه ٢٢ وامن كمصنيع . هو كمغد عبا جلوى عده قراني كديد و ال يجيع لم و دی کین کل و کلاب صافتا ندند عد الله ، النام وديا ، ال من كسينوت جمعيت بإيك حليلي واللامه عبور مي كردند اين ميني آميد الي کینون در برو جود می مقل می بوده بديعي استاين مدرت ورسايه إسباطه ر محيدتن است كه عموم عودم الم المعال برجب معمد حان دارند .....

للكرات از تحريان مقام منيع ديات وزياع عظام كيه وزارت داخله كبه آقاي لهين كبه مود آزاد - با ناجر من لانامر لعارجاء من لارجاء له بواسطه دسايس كمايات علنها باسر البزء درا تتخابات مينمو دآقاى حجة الأسلام آقاميرزا عبدالحديني نبس النجمن والكثريت نظار اعتداض كردند خانمان بنمايند در همان مجلس سئ و الالت عانيا. فحاش مركسود بهديد قمود

ally not ill not not

مستسمين يعد دو به كاتبلد كرده كفت : « به بخشبه مادموازل اکرمن آبنقدر خوشحا لم زیرا جنك خبلی ا هستیمی کو یم کو چه پرکارزودان از کردان انوو میبل سخت بوده و این پېشر فنی که بن حاصل نمو دمام باز هم سکوت ! با مشکلات زیاد مواجه شده است ، محمد است ، بلبس انکلبسی سخت مضطرب شده بر شت با مشكلات زياد مواجه شده إلىت ،

حق داريد كم خوشحال باشېد مېبوا ت ٢ الملامين معلمس كفت : \_ خبلي متشكرم آما به ببنم الحجه هي خنديد مادموازل أبن واقعه جه ربطي الم الم الم الله مادا كجا مى بود كو با نشنبد، است؟ بكجا الشما دارد ... مهج طورى نشده است دو زكاتبلد كفت میچ ایداند مرین موقع الومبیل از دروازه آو تیخارج می درین اتنا و یک خبالی منل برق از یده ببرون شهر پاریس بود هلمس گمنت ؛ ــ کوچه که بېرون شهر نیست این شو فـــر کجا می رو د و در ضدن از خای خود حرکت کرده ختم شده بشو قر کفت: المشالقنباه می کنبد کجا می رویدا کولچاپر کان

هلمس باحا لتغف كفت : ــ عجب آهمى مكر كملتبلد هم با كمال آدامي كمنت : ــ بلي | ديد ابسم سخريه آمبيزي آب هاي كاتباد را از هم قدري باز نموده است يس كفت : « براي المحمد المالح بك حلًا لي مثل بحرق أز مجاوى حِشم هلمس كذشت كه او رأ بكلي مضطوب كرده بلرز. آورد و آن این نود که از شت سرشوفتر دا با دفت فلمه كرد ديد بمناى شانه أو كمتر و وضم المستن او فرق کرده است عرق سردی بر

من این شخص آرسن او بن بود می و برای این شخص آرسن او بن بود می و برای با بن است. شو فر ایدا جواب نداد

مر باز شو فر جواب الداد من الله الله الله المن عن المتودي خود الموده كفت : « بسبارخوب آ قاي عزيز ا الهمر مكر سرت ألواقعا اخبلي تعريج اداد ، المربع الماد بالم انشارد. الوقد بك مراسه زبانه كشيد. علبان شختي ] الوطيبل باركش بزركي از عقب هي آيد ا ا توزيجا دمسرا زيؤاست و ممكن استخطري متوجه ما يشو د | از محمل حساي آرسن لو پن تؤده آست المس كم الأغط مل ديوانة ها بؤ دفرياد

ا مُلَمَى روالـــور دا در جب المُسادة مُلمه الوهبهل داركونت و خوات به پژه پانین ا المحلمي بقدري اين الحوف را از روى قوت و. الله في كاتبلد دست او را كرفته اكفت : تشر مهو آرامي زد كه ابدادر صداى او هم نعبيرى حاصل 🕴 الو مُبل خبلي آند مي رود علاوه بك الو شبل ديكر المشدة أولى آ لش خشم را كل باب متالت فسارو ( هم از " دنبال " مسلى آ بذ "هملمس خم شدة "دبسه در او خاصل شده دست بودبرو لورا خود دا آشید 🛛 بهجاره هلمس در جای خود تشدّته بالاوهسای الجُوون وَ لو له آ زرا كذاشت به "بشانی كلتبلد و الحود را در هم كرده ابر روی سبنه تصاد و در فرياد زد در همين دقيقة نكهدارا توميبل داوالا خالي درياي فكن غوطه مي خورد الوميبل هم با سرعت آرسن الوين أبسل كشة كلت : " "مَنْ بشمن أو خبابان هماي شا لو و سورسن كنار ساطررود المانكونيم إكر المُبطُّو المهدُّ يكمر أبه أوى مَنْزَشْ از نبدكه الخا نه من مي كسدشت هذمن درين فكر بود كه المجان بدر المرد المرد المعالم المعالم المحطور آرس أوين بجماى شوقر آمده جطور المعادة كالمبلديا محدر. كفت "- ماكريم انقدواند آن جوانى كة در ظاهر آدم فجبهى هي نمسود

الهملمس كيبش خود فكرامي كرد خسوب اكر ببسانی او نشبته وحشت نوق ألعاقه با قردست داد ا كشبد : نكه قار كم در كردم و پاشته رواو در ا مم این مود از هم كار های آرس لوین بوده به كشدد إلا أن فالله، أود ٥٠ در الرفت ٥٠ كالبلد في قت كاتباد آرس لوين راخير كردوات من كالمهجكي المسم خود را فطم نكرده كنت : - غجبها كزيم | اكتباف خود را نكفته تؤدم لا امروز اصبح امروز العلمي ألمند أو كنت : بينما مم كويم برويد ا شراولد هدس جه طور أستاين كودتوا المستخبر أدم بي أحتباطي أست ممكن است حالا الومبيمل المعم كوكلتبلد العلاخير الداعت من او راخواهم ربوه ا and y amon

SAL TA MATTER AND THE است یک قوم المتعادی مر ملت منوط به مقدار ترونی است که اولېد می کند . این خط طعبنی است که اکرکار کو الباشد توليد الروت غبر ممكن أست ال پس هر قدر عد**، عدا، قری و سالم زیاد ار**ا باشد مقدار محسول زياد. لر و قوت و مستند قدرت مملكت زيادلر است

M - 13 1.81 AS a link the y and V.P.t. کتب دستانی بمنزله ستون kr.at 1448 ها لي هـتند كه يناى بأ عظمت معارف مر روى آن ها قرار IVEL - 6.91 كرفته "را بابد ] ن دا فسكه. دارند.

مارك به مالا به من مثالة عنواً. هما يبي كه در مقاله قبل شمر ديم -المعموالدي كه فقل دان اكت كالمستاني در الم الم الرقي فلينات أيجاد كرفه إيس . الم الحلم المسواقصي أيست كه أنها ما الحس · کرانه بنانتهها اج شاید *او ابس*ای آمور ا يواسطه عدم إطلاع يا عدم علاقه \_ يه اين معايب نوجه نكرده باشند ولي معلمين و مؤلَّتُون در اين راه أدر كاري ها 1×1 2. 2. 114 الالا المعضي هما در يراو ميطاهسندت و ا جاهمی زیاد کتبی برای ندریس ادر وو مداوس ایتدائی و متوسطه الم ایف کرده الديعنى از كتابخانه خاج وراي طبع آنهما جديت زياد نموده اند واكر فودى الريخ معارف إيران توشيشوا خصات ابن آقابان أقدير خواهد

اليته كسيى كابراي مدارس التدائي المعوين شده تواقص بساد دارد - بعنى از آن هـ هم كه نوسط اشخاص ملمه موادوبي الجلاع نا ليف شده براى الملمات ابتدائی روا منبر است – و ای دوی هم. رفته بايد متشكر بود كه اا انداز. اى وفع إحتباج متعلمين شده و اكر روزى او لساى امور بفهمند واقدام كنندشايد فواقم إين كتب عم مر الم شود. ميناهمان لي ما كينون حوفهما بوبس كرتب كلاسبك و برای مدارس ، موسط است .

Call of the Example Installe state

الله قالح إز آنميان تبرون بيايم

**کوئی میں کو چن** 

مى مى ما يا الدار المان ما وريش لبلان · · ، .

المعلمة المحمد المحمد المعلى - كلمنا ألبان المحمد الم

و ٢ ٦ رسن لو بن در يك مسافى همتم كه بايسد

أشراؤك هلمس كلت : - بلي من هلمس هـ تم

ا واز ژبودن شما وسبلهٔ مهمی برای ظفر خود

هي بينم بنابر إين شما يا من تتي آليد و من شما

كرا بدست يكي از خويشا نه مي شهرة و وقتي كه

و جزو يلبس مدلكت شما تبستم الهذا هبسي حقى

الم الدارم ك رجوع ومحكمة اى إنما يم

هَلْمُسْ سَعْتَ : ٢٠ بِلْهُهُمِينَ حَجَو نِكَ عَنَ أَنْكَلِّهِ إِنَّ

من قائل بمنبالاتم كرديدم عما آزاديدا من الم

La a grant a la por 1. یک هما نظو رکی کنتیم مؤانین و معلمین . كتبى فالبف و أصنبف كرده الدمنتها جون نا بحال غدمشا كردان متوسط ما لنسبه تم بو ده چکتا بفروشان حاضر برای طبیخ آنها نشده اند . اكر معلمين محتر موسا يلي داشتهاند ازجبت خود در ابن کاراقدام کرد. واز میالنی که در این رامخرج المركرية، صرف تغلو كرده اند . و ای هما نها هم جون همچکو نه نشو بقی از طرف او لبای امور اندیداد 2 کت خود را طبع کردند و هر/سال/ مبش از سی جهل جلد بنروش درسا ندند !... آنها هم از این کار بیزاد شده دیگر اقدام به طبيع أو تشود البنات الحود The cite in with the first the to با این وصف ملاحظة کنبد کمقدر بايد از عده معدودي كما أكمت شمار أد\_ برای مدارم متوسطه کتان نا المک الجاب كرده المد لشكر المؤاد ا ج 1 ا باری سے دولت بایستی در این امر مهم اقدام کر ده 🗕 کم بعلمین نالبف كرده و در كمنج كتوهايم تمبز فكاهداشته افد بطيع وسأفد بمصلين ودبخت را از زحمتجزوه نویسی و الافه وقت بالاس بخند . . . بالابه بال

امروز در ایران مید شد. که هر کس دم از معارف پروری میزند هما نطور که آزادی خواهی ادا ازيجه قرار داده اند 🗕 همانطور کس مدعی است که معارف طل ابت اليته ما بين ابن المخاص عده اي هم فتميدي ومحتلد والى إبط شوز كلي بإيد المكنت مُعَرَّضٌ اغْلَبُ عَوْامُ فِرْبِينَ اسْتَ وَ الا جرا نا کنون بك قدم بواى يتشرفت جارف بر داشته نشده استا و ۱۷ اكر جند باعت وقت خود را مجرف خواندن اريخ معارف فرانسه کسنجد سے خو اہد دید کہ ہیچ ، یک ر سمعارف حواجان ما از له قلب مايل به فشر " هليمات 🗠 الكشير مدارس في الرقى الوثيت فيستند وأجار بالمعاج ومحاجرا وا ملاخْظه كنيد فرانوى ما همم مشروطه کر فتند ، آن ها کسم مخبال افتادند معارف وا در مملكت خود te man 's air of the market of E. C. G. R. Mar. E. R. in

از همان روز اول انقلاب مجلس شورای آن ها برای تالیف و الدوین و طم كمتب ديستاني اقدام نمود ... قانون ما وضع کرد 🚆 يوسېله قوای مجروبه الجمام فوق العاده صادر كرد .

المربسية المعرية المكاني عرف ازاد

در این سلسله مقرالات ما خبرال مدارية من شام اقدامات معالي شوراي ملى فرانسه را از همان وحله اول \_\_ یعنی از ۱۷۸۹ ـ برای شما نقل کنیم دلی برای آینکه آهمت کتب دیستانی برای شما واضع شود و از طرف دیگر بفهمبد معارف خواهی جبت و آدم معارف خواه لچه می کسند شورندارد طور خبلي مختمر خلاصه أقسدامات پارلسان های فرانسه را بوای شما ذکر کسنبم سیاشد که دوزی و کیلای مامم دارای خس شو ند و از مرحله لفظ داخل عمل كردند 🕬 🖉 متبعة الله الله الله ب بوای امزوز همین قدر میکو لیم که در خهار سال اول انتسلاب قرابه الوايح متمددي از طرف و كلاي فرانسه مجلش پیشنههاد و غده ای از آنها مورد اوجه واقم شد : مهم إرين اين پېروژه ها را (کندرسه ) و (اوپلتېد) پیش نہاد کر دند ، پیوجب این لواح ما بقد ها في ، براي ... كتب، ديستساني ناسیس و هر کس که بهترین کستاب را ـــ در هر دشته ــــ نالیف نمسوده سیمل هزار فرانك جایزه در یافت المؤاد 😘 💮 الدري مناد ابن لوايت نوجه كمنبد نا اندازة بي اعتبا لي بغو دمان اسبت به کتب درجتا فی بر شما کاملا محسوس شود •

الماليا المالية والالا صديق اعسلم

المانية احيا رستقرمي المنا الشريف أقرما في يشهر المله مسمع قدل اذظهر روز کذشته اعلبمضوت مما يو في بشهر الشريف ، آور دودر عمارت كالمتان فزول الملال فرعو دند باجدا ا Telefic at the address of the ويجشمه از خلهر آقساي ر ثبش االوزرا

المحدور [ اعليخفارت هما يو تي شر فبن ب شده إقدامات كولت وا راجع به أعاده آفايان علماء!علام بفراق عزب بعرض a the same and وساقيدند احضار و اشرف

شش ساعت بعد از ظهر ووزکذشته اعلبحضرت هما يؤنى آ فاى وزير جنك و احفار منظم له بلا فاصله مثرف كرديد إحضور والأاقدس ولابت عهد درموضوع حركت والأحضرت به آذر با يجان قرما يشائى فرمودة آقاى وزير جنك الهد اجرای اوامر ملوکانه را نمو دند اقدامات دو ات بموجب اطلاعاتی که نما رسبد ماست ز طرف ذو لتدر ظرف این تدوسه روز. لصميم قطعى راجع به عودت آقيا بان علماء الحاد و در این باب المکرانا ای بدربار الندن فلحا بره أنمؤ دهو متنظر وصول نتبعجه ، آن مستد المريز ، له المؤرليسين ا

المرقبات ا دوز جمعه قبل از ظهر شرير ـ ودن وزيرٌ مختارٌ دولت إنكليس بمنزل خصی آفای رئیس الوزرا رفت ، بدلى مشغول هذا كره راخع بلزومعوذت · قسايسان عامساً و اعا دمة احترا مات أيشان أز طرف دولت أنكليس بودند حلسه وزراء مد از ظهر ووزا "كدشته" وا بان دزراء متدرجا يدرجان حاضر شدمحل رسمی وزراء منعقب و تا عصر مشغول مذاكرات رائجع بحركت حيند نفر از ومايتان علماء الر طهر أن به كرمانشا لجان براى ملاقيات آقياي آقيا شيدا بوالعين اصفهسا نسبی و سایو آقسایان علساء الموجه المعاجم معالية المعالي المعالي الم

روز كذشته ساعت جفت مد ا ظهر بوحب وقتبكه تملامدين شده بمؤد وزير محتار دوك [امان بدربار ] مده آقاى زئيش ألوزرا: ملاقيات تدوده قربب بك تساعت مذا كرات باسى جريان داشت مر بعل مع حواسة T قايان علماء ال عصر روز كمذشتة أقمايان علمها مدرسه خان مروى اجتماع تموده دأجم به نعمد إقايان علماء نحف داخل در مداکره کردیدند خلاصه نظر اقایان این شد کرینج تفر از آقایان علما بکر مانشاه

فنه و إقابان علماء وإدو هما نعامتو قف المايند بس از حصول نشبجه افسدامات هولت اقايان علماء را محترما بعراق عرب عودت دهنه ارای شعقول این معمود امًا بأن امًا شبخ ثماء الذين نورىوشبغ امراقين عراقى را به تمايند كى انتخاب وازطرف إقايان علما خدمت اقاى و أيس الوذرا أعزام تمودند

اقايان أقا شبخ بهاءا الدين و شبخ المراقين عراقي يسدريار امده با اقساي رئيس الودرا براى نهيد لوادمووسائل حرك اقايان علماء بكرمانشاهان مذاكرات زمه نمو دنداقای رئیس الوزداموافتت خو دشان را با ببانات حسنه آ قرابان علماء ابراز والمتنا ينبذكان مراجعت ندو دند .....

استخلاص مقصرين بموجب اطلاعي كم بوزارت امور ارجه رسيد، در نتهجه افسليانات آن زار لخانه دراى استخلاص ميند نفسو محبوس أبراني كالويبا مكركازروسه مملة أمودة بودنة قوانسول فإدا كويسه روز كذشته للكرافا اطلاع بداهماكه سه نفر از آنها مستخلص و درای استخلاص مابرين هم مشغول اقدامات هستند : 13 5 + + ودود البلموان لينها

مجتور على يك آ قبا إن كوسايته ندمات دواتی دارد وجندی قبل برای لكمبل المصبلات تود بغرتك موقد بو د ينك إس اف تحميل اسبلات التراستان رجه (انزنبورشيبيت ) بطهران وارد بالعلام ومحمد المعالية والقد

ومطالبات نجارت إمراكا ومط زير مغتار ابران منبم وأشنكتن والجع امر بب اعتدامی کر بعثوان فعادت از ايران بعفارجه برايدا نجادية إيران بروقند نو شبخات لازمه جواسته امت . به منابع

از وزارت خارجه الوزاريش المجار ت فوالد عامة توشقه شدكم لوضيعتات ارمة دا أوسط وزارت خارجه بسفارت واشتكش ارشال نعا بند الم وأ

کمیانی موسوم به کولاس مانی كتورى ) امريكاني يكمودن كانولېك وللميه هاى متازيكم در امريكا مساوند

هلمس، دوين أثنا بيغود في كف لابد فكر الوين خاطر عمم هستبد می کند ، آرسن لوپن اورا خمایت خواهد کرد ولومان حبلي معتدر و قوى است اوين شكت قدى المحتم وكور كورانه از او إطاعت مي كنم داي الله علمس بساعت خود أكام كرده كسفت : ماد " فاذ يش زنك زده لماش في كلاه الخود راخو استه مواذل من بكفتم بنج دقبقه الآن فبم ساعت كدشت زود باشبد في المناه المحمد المحمد المحمد المحمد ب بي كاتبلد كمنت : ــــ إجازه بهن مي دهيدبروم و اطاقم و کار جما یم دا دو تمراه بنمایم ی هلیس کمنت : اے ایمیار خوب اکر مایال الشهد من بواسط دوستي كه با ژانيتو نو كرشما دادم .... کارباد این موابه است منطرب شده کفت ( .:. مرابع کارباد این موابه است منطرب شده کفت ( .:. ايندا هم شما مي دانيد الم در مريد مريد الم المنتين الكفت : الله الم خبلي حبار ها را هي ا ما اما ما يد يك بقاله اى مرسّت كنبد به بدر ان بكو لبد که از غببت شما در، اضطراب نباشد و اسم اله ا ما المسلم جاین بنظر می آند که کلنبلد رامنی شده ولی من کلنبلد کفت : ـــ اهمیتی الدارد مــن زود می خودم که آیدا خیال فــرار را هم نه خواهم الاستان بلک دویقه دیگر صبر کرده و در فکر فیراو اخواهم بی کنت کرد الدیار از این الدیار از این کرد بیدار. و المفت المحد و الما المعالية الما المحد الما الما المعالية المعالية المعاد المعاد المعاد المحد المعاد المحد المعاد المحد والمعاد المحد المعاد المحد المعاد المحد المعاد المحد والمعاد المحد والمعاد المحد والمعاد المحد والمعاد المحد والمعاد المحد والمعاد المحد والمحد والمح

٢٠ \* كانبلذ يكفت : حطا المج من از او مظمئنان آنكاورا ميخواهم و يقين دارم مرا نحات خواهد مليس شده با هلمس نزد مميو دستانز آمده كفت من با مميو استبك مان دفتر دار شما مبرويم به كتاب خانه ملى و شايد نا ناهار آمديم شايد هم بر تکمتیم بر تکمتیم بر کشته کفت میبو بفرمانیسند بروبم الله . هلس کف : - فکر دیکری بخود آراه مدهبد زيول كه بهوس فرار لا مردن مبغتبد ضداها كمنهم وعلنا آ نوقت شمارا لوقهف مبنيايه فراموش نكمنهدكه وللبس فرانسوى درصد د اعقب خا نماموخر مائى melantant and the strate while the of the stand have · ... کلتبلد کفت : ... من بشرافت خمودم قسم

ببرون آمدنيد State State State State State A AND A AN A AN A AN AN AN A در از دیکی آن خانه الوعسل، سامت الذكر ایستاده بود جلمس دید شو فر بواسطه ضربای هوا مر و کله خود زا در کلاه و شالکردن بوشا نده نا تزديك إلومو بيل شد أصداي ألو مبيل ذد آ مسد يس مس كلتباد را كرفته اول اورادر السوميبل نشائد بغد خود بالا رفته پنهلوی او نشت آثو مببل حرک کرد الملی کو: ای ۵ لی ا هلس بنبش خود جنين مي انديشبد و كانسي مار أحالاً در منز لش همت .... من اين دختمر را مى أبرم وأست الأسمى شيادم أبا المعا محويم كبت برای اینکه کانی کار آدم عجو لی است فورا اورا مى دهد بدست پلېس ۋە باي نقشه مرا بهم مىز ند بعد اينكاد را كردم بايد بدوسية م . ب رجوع كَنْم وْ مَكْنَ آوْسَنْ لَوَيْنَ (ا هُمْ يَبْدَا حَمَم آن . وقت كانتهاد والخبير إكرده الوس الويات وا دستکبر می کنیم ... ، و بعد از این خیال دست هائ خود را بهم مألبده إظهار خوشعالي مي نمود

11 male 11

E ining #

ة مرد از ic

4) mayle 1

وسنها، كمشريت ، قاليان بتواسطه عدم: امنهت ركو زر بمعايب اساسى مدرسه وفلاجتي طهران الم كذشته به أنكراف خانه 7 مده, متحصن شدند المتويان النابندكان طيقات الأن حضرت متحصن إيالت لمد. آژان وقوای والمسامنية والماسخواتين ابراهيمي در شهشو \*\* \*\* المداختة المآم \* اداذل \* أو ، أوباش شهر وا يول المن دادة دو المقابل قدويان به للكراف خاته ، م فرستادند و آنجه وقاحت منطور، أود را المسلكر داند فجاشى بدكو أي ندو دند حتسى الله الورش تعالى زاين باي محمد مستين از المايه قوم الله آزان تجمع اكركاه از المتسارت فوقا ال الكراف خانة باثين ريختند ويه آ أجة الله وزالت ممكن بواد نموادند ايالت أمد أز ما این اقدامات ملاحظه کرد این جرکات الله فا مجبود به تعطبل عموم وانقلاب الما بترركي تحادث محفواهد شد فيداين لحال ی بوسط بعضی از علماء واکار کذار برای الملاح فرستاده اكمشريت نظاره وفدويان وروشيس النجمن ملاحظه عدم فتنهوانقلاب الما حاصة صلح والجبارا والقهرا الاللكراف من الله الجاريج شدند المكن ايالت حدد أنس البسر بسته جباى محلات واك الواط میں معروفتد تا کنون در الکراف خانه معای به الم منجم بيان ، إ في اله كذاد ده و. المقده الما جني: المعلوم فيهك مجملا معنا فقيه ا تتبعًا نات أيد" لا المراجات المان الملودة منعت المعام المحسل و معالما والمعالية فالموجعة والتكر كالي وا المعلمة المعالم المله المعار المؤكمان الحوام المي المدف الم خليقى والتحاوات وال إكوادا نة مقرر فر مايند ولي متو الا أا تناجا بات كه ذا المت "تفوذ ال المهر الماجة وخليه المركر انحام وكيتود الداما كانديد يهم: حلى الإلك المتناب لمى شوافد ملت كرلمان الله المريخة الحرق 70 للسة عكان " للكرا في ا و المعدية و عدم الوجه او لياى امور الما يوم. » ما » شهد القلا مات غبر» متنظر · "خو اهتد المودو» الدام ليدم على العلو احد " بفرتما يعد المد في معاد فلو ديد معد حدود بمست واريايد. ١٠ وحدارات در المت اللواة عا كم المخام كمراد ا كا فدويان ساكت شده داخل انتخابات بشو يم قما يندكان فنوم طبقات اصف ف الما الماريد ان فيق اوتتعد الو مطالق مر الألى استاقة معاقدكان خداد مخدان كريلاني الم المالية الما يندكان الممال مسطفى كرابلا لى الما العلى المعلول الما يلدكان مقال حبد الكر ما المسبعة خواد فما يندكان علاقمند محملها دق ويسأ غلام تحسين فنما يندكان حمامي غلام محسين الله محمد على قما يبدكان مفاش استا داسد. بالمما كوالاتر على أمحمد اما يتدكان منقط فرؤش معمد مما المن محمد مد محمد قما بندكان خماط غلام حين خان سبد حسن اما ينهدكان مِبكار بيج حدين آقا فتحالة نمايندكان

مسئله أسهام قروض والحل تسايد و انتقاد از خیابان ردی و بنایهخوری ( set here so allot in the set he have being المسلمان والمراجة المالجات بالرماس في ال فيعصيلين إين مدرسه شرجي درج شده يود ي جون از نقطه نظر زحما اي كه يك عده محصل واقعى ابن مدرسه أدر مدت مختصرى متحمل شده ، الد اسكوت دَرْ قَبَالَ إِنْ يَكُونُهُ عَسَبْتُ هُمَا الصَّدْيَقِ يشمني است لهمذا حقبقت أمر وا ذيلا الوضيق المسودة إجازة الدجر آن أرا خواستار است. : به السبية جوج، ا الم الم بدوا يا انتظار داشتهم اولياعمحترم مدرسه در ظمن او شبحبات خود <sup>ت</sup>در شمباره ٨٩ این فطاب را هم منصف نه متذکر شوند که اکر در اوائل ناسیس يك عسده نالائق و بن سواد بمدرَّسه قوق وارد شده و با لياس رسمي در خبا با ن ها برق معابر عمو مي بنفر يُح وقت المي كذرا نبدند المربوط إيشا كردان کار. کن دیگر که با فقدان کلبه وسائل الحصبل إز تمسا فات بعبده بدين مدرسه براى أمقبب والكمبل اطلاعات علمي و فلاحتى داخل شده إزب نيوده ، بلسكه آن يخبابان يكرد ما تر مسمان أوابل سال نظر به تداشتن معلومات کافی که متدمة ليعصبلات فلاجتي است اذ تعدوسه خاريخ شده. و: بتبسه محصلين، از احدن بيديب خود ومراقيت او لباع، مدرسه عن و روق دا يتعلم أو المستعمل الطلاعات أوا که نظیرش نا کمینون در این. میلکت لمليم تشده مشغول يتوده وربا آينكه وشر به إغيام جواثبج الفويجي. هم مثل تساير حوانج نا کینیر است معـــدالك اردا در مدت يك سال بخيابان أميرية بالجبر ن ديده نشده اند و در انتيجه جمارت باوجود آشنا فيؤدن به لقاب ومسطلهات إين فن در هو امتحاني يهترين امرات را بتصديق متخصص دارا يو دم أند . بدبهي آست بإ اين وسف جدلات مندرجه در مقاله لحت عنوان قطري به أقتصاد به یک نفر محصلی که یا عدم وسائل و موجبات الحصبلي جدا مشغول لحضيل است نا کوار می آیسه این است که مجملا براى أستحضار خاطرر عموم على الخصوص علاقه مندان به نرقى و نعالى فلاحت إين مملكت أين مختصر را بعرض ولاحت اين مستمين من منوجهر الى رسا نبدم : سيس محصل كملاس عالى - مدرسة فلاحت the self of the self of the self of the

احارماره الكفوانين لوزان المجالية معيد بالمس لغا

ياريس-وزير فوائد مامه به محير جريده ( اکو د و پاريس ) اعلام مي دارد که محصول ذوغال سنك فرانسه ماهبا نهبألغ بـر هفت كرور ان مـى شود و دوغال سنك ( روهر ) به بېست و دو همزار و پا تصد ان در ماه می رسد -(500 ' 1 2; \*\* \* برحب اطلاع جريده ( بران اك بلاد) در نتبجه اختراق نرن دردو نبسهو رك ١٨ نفر "بلز بكي هلاك نشد ندو يعنو أن محا زات قرار شده انت كم فكاحبة اشنال شده آ لمان أز فسمت اشنال أشدة بكلي مجزى كرده في المان المان المان الم مَنْ تَنْدَنْ بِ<sup>لَّ</sup> بِالأَخْرَةُ مَذَا كُرَّاتُ وَالْجَعْرُ بنوامات الجديد شده سفير أززيك أمروز عصر مدت يكماعت الم كرزن ملاقيا لمهر بعمل آورده و نظر به دولت بلزيك را در زور اظهار داشته اواز قرار معليوم الفاساى جديدى نموده إنت 🕺 كرزن در جراب نقطه نظر أ نكاب ان را نشريح كردسيس سفيتي فرانسه مملاقيات كردد آمد المريد المريد ا الوزراى بلزيك أمروز در طي اظهارات خود زاجع به سما مداست کابینه که خدیدا الربيبم عدده است خسين كفت كه دولت المسماسي فالمراقب دوسي ومودت الجود واباسایر، دول حفظ کردہ وکلیہ اقدا گات لازمة والمجراى نامين برداخت غرامات وموجب معاهدة ورساى بعمل خواهب ٣ ودد و ٦ بن مشباست ٦ - السا مو فعي كه موطيات رطايت دوال حامل نشاة المت العقب المودة كوستجهد فأرابحا داموا فكرق لظر بين متقتين خواهد المؤد a fight de the man and and and آ لمان جريده ( المان ) اشعار من

داردکه فر نبیات راه جای آهن نو آخی اشنال شده در موضوع ووابط لحاراتي و استخراج معادہ زا لاینقطہ زیاد تجمیز المكند دوازده هزار الغن عمله رام آهن فوانسوى تو الشبكية حانشين هفتاه، هزار افر عمله وآلما في شده إند سمي در روز شیصد فطار دا. آهسن مبافر و جهار صد قطار مال التحاره

از اقدامات [المانها] در (روهر) اظهار انفر کند ب ت اند کر او او ا اعلاميه صدق أعطم عنقس بب منتسش خواهد بشد تأر إسه مرية بمزاجر الم (y . y ) inthe speciale

المنافق المنافق المحمد مزاح برنس دوكال ولبعهد انكلس ضمن نطق راجع به مطبوعات خبر نكار مخصوص روزنامه الكمبور منطبعه باريس در آريخ ۲۴ مه (۲۱ أور كذشته ) از اندن اطلاع می دهد در اللي ألطةي كي در موقع شام بإدكاري لمال پنجاهم ( قَبُورْ يَبْهَرْ فُولْدُ ) مَؤْسُه مزرك خبرية انكليس كه قر آن جهار تسمنهني كبين في يا نزدة وزير مختار وسه شارژدانر خارجه و عده کشیری وزراء و رَّجال،مده مطبوعات المكليس حضورها داشتند ولبعهد أنكابس جذين اظهارداشت که در مقدام زیاست این مجلس اکتون دراین موقم محلی را اشغال قمو داشت که شارل ویکنس آن حامی بزرك فقرا و مظلومين شاغل آن بوده و سيس كالارستون و لرد ساليز ،ورى ومالا لجرة رأيس الوزرا هاي مختلف المقيده آلارا اشفال مبتموده اند . . . . كو يا به خاطر دارم و در فظرم است که رجال شباشی أغلب درعتايد با حم متفاوت ا تعو لي وقتي كَ إِنَّهُا قُا بِهُمْ مُوافَقَتْ بِبِدٍ مَي قَمَا يَنْد المحاد و معمدت آن ما و ادما ديدني ابت ، راجع ته مطبوعات این قسم اظهار عقیده زمردند که مطوع ات عص ، برای املاح مطيوعات ميبج خطايا و إشتباهات مختصر آنها را لمسجح مبنما يند ! و لشكبلات كَافِي وَ كَامَلْ مَطْبُوَعَاتَ كَنْبُو نِي أَنْكَاجْتَانَ را مورد نقدير قرار داده كمت به وسبلة مطبوعات ما از أمام وقايع دقيا ممحص اين كه الفاق مي افتية مسبوق ميدويم و سؤر مبكنيم اغل از وقامى هم كه ابدا الفاق نبفتا ده بود بهوشيله مطبوعات أطلاعات كافي و كاملي بهم ميرسا نديم م المعن بعد المارية م مسرا .] the state of the second se

الما بهتر بن أمتال كه از لحت غظوا خود من كذشته ابن التثان وقائ كامن در المي أز "مستعلمات محمدًا فرت محمى "تمو دم هوا چما کی به پېشواز می آمده و در كارى كەمن يبادە شدم يك دشتة جرايد انداخت که در آن ها شرح ما فرت و رفتار مرا بطور کامل در یکسی از شهر ها أي كه من هنوز در آن داخل فشده بو دم داده و بالاخيره عزيمتم را سه ربع ساعت قبل از آن که من در آن شهروارد شوم بيان نبوده يود آ اما در باب مجمع اعانه به خاطو آورد که همېشه اوقات عامه را متوجه المكار الباختنه واسال كذشته فيخصوصا در لحت رياست آرد لور هولم همه <del>او غ</del> جديت براى جمع اعانه بعمل آمده است ، امنْبَ هم أَزْ الدُسْتَهُ المَتْنِ اسْت ومبلغی که جمع آوری شده .... ۲۹۰۰ امره مهیاشد . در جواب سلامت باد صدر مجلس شاهزود بحيفت في الما به المتحلوة واقعا نهايت لذت است براي من جز وقت توانم كركي يومطبوعات بنها يم. مطبوعات وروزنامه تغاران هميشه بهترين دوستان من بوده اند و من فقط وآن ها یك دعوی داشته ام . مه مشاه ، بن دو سال قر لم يعين ال الله عماد

طولانى تنها بدهكده رسيدء وجناجفروب يود اسب بعايم، وا دو خو له معناد خا نه كوجك ولايت يستم . بديعي است معمان خانه جن كما يدا از جريت من الملاح . نداشت ، نز دنال ، من چد 🐔 گذش، الم شما خبلی شببه به پرنس موکان Tome is and satisfine المسو بع المتح المعالم المر الم المعادة الماقيا المقاعد المعامد الم الم

الديني را خيلي از يميرايين مشيورا، واب شنا از لو، (جوان في وزما أسد ا المرابن است قا بودع ما فعمن با روزنامه تو :-با ................ Sei Artall Receiption per lon - Mayor a Print & Fris

about a new the truth to take & chanter and the second a break growthe of the Trange land a state I and the south to all have much

که در مقابل ملك زراءتی برهن قبول مېشود مشروط بر اینکه همان معلک را مساحب وجه اجاره بدهند مدافت ملك يا طهران بايد كمتو از مه فوصلك جاشد. الم الما المين خبابان لاله زار. مفازة الحاديه وشفق فعنما ينع به ي ي

ار مجالی استمر اعلان ۱۸ ( ) ، هم استفاد با از معاد می است	Sec. of the second s	to be furthered of the straight of the start of the start of the	marking	
the is in Male Con The is a survey of many in the	و آذوقه حرکت می دهند	ا بين 1 از طرف عنداني اعلام مي دارند ا	الحدادغلامرما اكبر خاننما بندكان خرافى	
	ا كر اين قطار مارا پهلوي هم -		فروش عباس كربلاتي خاجي فما يندكان	藏
see the the trans to the state of the state of the second the seco		مسائلی. که قبما بین عنما نی و یو نان آمملق		n.
	بكدارند طولتان نه فرسخ می شود .	، مانده بود قريباد ملاقيات اهمه خبره	قنا د حاجی سبد کاظم محمد قمایندکان	
	ا ا وجود اقدامانی که از طـر ف		كلاه مال اصتا دحاجى استا د فصر الله نما يند كان	
le and it is a set the post of	a sure in the side of the set of the set	بونانی و غندانی بطور قطعی خپل و	the second se	$\mathcal{P}_{\mathcal{H}}_{\mathcal{H}}}}}}}}}}$
Make and talls Teles Takes and take the test of the	مجلس ملى شد، است لمداد مسافرين	الصفية جواهد شد جدينة المتها إليه با	دوا دروش خارجي محمد حسواد ميررا	34
سيم به الما يحدث بالسبار المدامي بهار المست : المدار المه الما يا ما الما الم المواقي المساقة المراجع	آلمان در نزايد أست و أدر توز بالغ	م ( ب • ب ) مو م م	المراكر الكرو	Ğр.
ا الله والطهراق بديد المارية الحروس المسامسية والمالعوش من المسامة المعام والم	ورينجاء و پنجهزار نفر مېرسد			A: N Ste
المراق بي المراق بي المراجع بي المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراق بي المراجع المراج المراجع المراجع	في بمعداء و فيعجهن الرقص مير سب	The area of the same is a	قوا فروش خاجی محمد مجمد محمد شرزا ملک اکمر در همین زمینه ناکنون چندین	输出
المران	(ب.ب)	اعلام می دار ند که در آ لبه نزد دکی	در همين زمينه ناكنون چند ين	26
لندن مكتوبي 10-43 - 60-42 الندن با عديد المل 50-44 الندن	the same and the second s	متخصصين نظامي عنماني و متخصصين	الكواف باداره رسبده ما منتظويم ازطرف	
	ا پار میں بالی است کا رقب میں اس			191
، السكراني ٤-١-٧٢ - ٨٠٠ الموروس	ج در جواب للکراف رئیس جمهوری	اراضى وسباسي كادها يشان بالمام رسبده به	فوات بابن شکایات، جلا رسبد کی شود	100
، نلسکرا فی ٤٠ - ٤٧ ۲۰ بلریل با ریس ۲۰ - ۲۰ ۲۰ - ۲۸ بازیك ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ بازیك ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ بازیك ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ بازیك ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ -	فرانسه در موقدم جمن روز استقسلال		ا اكر مطلب بهمين قسمي كه مبكو بند	
A State water water water and a state of the				e.
بلزيك والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع	ر ثبس جمهوری امریخا نشکرات کمیمانه	······································	باشد أز أنكرار ابن فببل أفدامات حدا	
197-0.	خود را بر ئېس جەپمورى فرائسه القديم		جلو کمرٹی شو د	~ 1
٢٠٠٠٤ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠٠ ٢٠٠		، المربع الم المربع المربع	مجلو کمبری شود دار مرد می می جرب مرد آزاد ا	
	. داشته است الله به دری مد الم مد متحد الم	عسمت باشا ياد داشني باعراق دوله		8 C
رويد بديني المراجع المام المراجع المياني مست عبدي المراجع المحال	(ب،پ)	متفقة ارأسال داشته و أز لأخبر حسل	Commentation of the second state with the second	
the second state where the second state is a second state of the second state of the second state of the second	ېږې مېځ په مايه کې کې کې			
And the second	The Hold of the State of the St	المناياي فيختلف فبها اظهار شكايت تموده		\$10
	جوید. ( ژورنال ) اشغار مبداری	و نقا خا کردہ است که کنفر اس	الم المانين أقاعه، معير معتوم السرادر شماره	2
معرفة بعد بو سفو في مجر ٢٠٠		La seconda de		1.18
a start when the start we want the start of the	ا أعظم آ لمال متعهد دمه الت كه وسلما	in the state of the second state of the second s	به بر بلا بعد بده جريد مر م آزاديشله دانش ميه	1
	ا اعظم إ المال منظمة عامة العب و وسب	الممتداني و قروض و امتهازاتومخصوصا	محتوم آقاى م ، فرذانه راجسم	
			손님은 집에 사망한 것은 것이라. 않는 것 같아.	\$ 39.
		에서 제품 전 11월 11월 11월 11월 11월 11월 11월 11월 11월 1		